



سید علی قاسمی، آسمان‌خرواب

قاعده بازی

فناوری بدون حس و حال بدون درام

◀ **شاهین شجری کهن**

در باره فیلم‌های این دوره مشکل بتوان نقد و تحلیلی ارائه داد که اختصاصاً برای همین دوره موضوعیت داشته باشد. بحث کمبود قصه و فقدان شخصیت پردازی و ضعف فیلمنامه که قدمتی چنددهه‌ای دارد و ماجرای مایه‌گذاشتن برای اجرای صحنه‌های پر هزینه و طراحی جلوه‌های ویژه و پرده‌سبز و انفجار و غیره و رها کردن کنش‌مندی قهرمان و پرداخت وجوه انسانی و عاطفی هم نکته جدیدی نیست. ولی آیا واقعیت این دوره از جشنواره فرق زیادی مثلاً با دوره بیستم و سی‌ام و چهلم می‌کند؟ در حال حاضر فضای کلی سینما تحت‌تأثیر همان ترکیب همیشگی و رایج است که کم‌وبیش در دوره‌های گذشته هم با همین میانگین برقرار بوده: چند فیلم متوسط، چند فیلم ضعیف، شاهکارهایی برای حیرت و خنده تماشاگران، و البته این وسط حتماً سکانس‌های خوب و بازی‌های جالب و چهره‌های تازه‌نفس و جزئیات دلگرم کننده‌ای هم وجود دارد. قبلاً هم ترکیب فیلم‌ها همین گونه بود، مشکل از جای دیگری است که صدای همه به اعتراض بلند

معمولاً با کارگردانان فیلم‌اولی که حرف می‌زنم، می‌خواهم که خیلی مختصر سابقه‌ای از خودشان بدهند.

متولد ۱۳۶۳ هستم و لیسانس ادبیات نمایشی و فوق‌لیسانس کارگردانی از دانشگاه تهران دارم. فیلم نیمه‌بلند ۳۰دقیقه‌ای و یک تله‌فیلم ساخته‌ام و فیلم‌های کوتاه‌ام در جشنواره‌های مختلف از فیلم کوتاه تهران گرفته تا جشنواره مقاومت جایزه گرفته‌اند. مستند هم زیاد کار کرده‌ام، به‌خصوص مستند فوتبالی که تجربه آن‌ها در ساخت «پرویز خان» به کمکم آمد.

ساخته شدن «پرویز خان» بعد از پشت سر گذاشتن چه مرحله‌ای ممکن شد؟
به ما گفته بودند روند فیلمساز سینمایی شدن این است که در جشنواره‌های فیلم کوتاه موفق شوید و فیلمنامه آماده باشید. این مسیری بود که ما فکر می‌کردیم باید برویم جلو و در آن به موفقیت برسیم. راستش من همه این مسیرها را رفتم، در جشنواره‌های فیلم کوتاه فیلم‌هایم موفق می‌شد و جایزه می‌گرفتم، ولی عملاً هر کاری می‌کردم که فیلم بلند بسازم نمی‌شدد. با دفاتر فیلمسازی روی فیلمنامه‌های بلندم مذاکره می‌کردم اما متأسفانه پاسخ‌ها فقط این بود که سئرم‌ایه‌گذار داری یا نه؟ بعد فهمیدم ساخت فیلم بلند از مسیری که من فکر می‌کردم نیست. می‌گفتند فیلمنامه‌ات خوب است، ولی فیلم کوتاه هم زیاد ساخته‌ای و جایزه هم گرفتی، اما خیلی خوب حالا س‌رم‌ایه‌گذار داری؟ این پاسخی بود که سالیان با آن مواجه می‌شدم.

در یک دهه اخیر فقط داشتن فیلمنامه



گفت و گو با علی نقفی کارگردان فیلم پرویز خان

برای نقش دهداری شباهت مهم نبود مهارت بازیگری اهمیت داشت

◀ **ناصر احدی**

کمتر فیلم فوتبالی ایرانی است که تماشاگرانش را سر خورده نکرده باشد و صحنه‌های فوتبالی‌اش در سست از آب در آمده باشد و فوتبال نابلدی بازیگران و سازندگان ما به تفریح و خنده نشده باشد. اما علی نقفی، کارگردان فیلم «پرویز خان»، می‌گوید او به‌رغم همه سختی‌های ساخت فیلمی که ۲۰دقیقه‌اش در استادیوم و زمین فوتبال می‌گذرد با همراهمی

یا تجربه فیلمسازی کافی نیست و داشتن سرمایه‌گذار برای فیلمسازی از همه شرایط لازم‌تر و مهم‌تر شده است.

بله، ما هم بلد نبودیم. فقط رفته بودیم و فیلم ساخته بودیم. اینکه س‌رم‌ایه‌گذار از کجا بیآوریم و بقیه‌از کجا می‌آوردن من هنوز هم بلد نیستم. اگر بلد بودم، می‌آوردم که فیلم‌هایم را بسازم.

چطور گروه کار باز شدد که توانستی «پرویز خان» را بسازی؟
باید از مسئولان سازمان اوج تشکر کنم. گروه کار این‌طوری باز شد که در یکی از جشنواره‌هایی که فیلم کوتاه‌ام جایزه گرفت، به طرز اتفاقی امکان ارتباط با دوستان اوج ایجاد شد که گفتند ما شخصیت‌های غیردفاع‌مقدسی هم می‌خواهیم کار کنیم که‌نام پرویز دهداری به میان آمد و می‌دانستند که من مستند فوتبالی هم ساخته‌ام. دیگر رفته مشغول نگارش فیلمنامه شدم و اول هم خیلی معلوم نبود که چه می‌شود، ولی هرچه بیشتر رفتم جلو، بیشتر ترغیب شدم و پاره‌ها و پاره‌ها فیلمنامه باز نویسی شد.

پیشنهاد از طرف اوج بود یا خودتان نام دهداری را مطرح کردید؟

آنها می‌خواستند غیر از شخصیت‌های دفاع‌مقدس درباره شخصیت‌های ملی هم فیلم بسازند و چند شخصیت‌نام بردند که نام پرویز دهداری در میان آنها بود و چون می‌دانستند من مستند فوتبالی ساخته‌ام و خودم هم این شخصیت‌رامی‌شناختم، این پیشنهاد را به‌قول معروف بغل کردم.دغدغه ساخت فیلم فوتبالی سال‌ها هم‌راهم بود که بالاخره ممکن شد.



برای نقش دهداری شباهت مهم نبود

مهارت بازیگری اهمیت داشت

گروهش توانسته در نخستین تجربه سینمایی‌اش موفق شود. درباره موفقیت یا شکست نقفی باید پس از دیدن فیلم اظهار نظر کرد. فعلاً همین قدر می‌دانیم که «پرویز خان» فیلمی درباره مقطعی از زندگی پرویز دهداری، مربی نامدار فوتبال است که به جریان استغای جمعی از بازیکنان تیم ملی در اعتراض به رفتارهای او و جایگزینی آنها با تعدادی بازیکن جوان با تصمیم غیر متعارف دهداری می‌پردازد. با نقفی درباره این فیلم گفت‌وگو کرده‌ایم که می‌خوانید.

برای ساخت فیلم چقدر تحقیق کردید؟
تحقیق و نگارش فیلمنامه روی هم نزدیک به ۲سال زمان برد.

منابع تحقیق‌تان چه بود؟

از هر منبعی که فکر کنید تحقیق کردم، از روزنامه‌های سال ۱۳۶۵ تا افراد مطلع تا دختر خانم و خانواده‌ش‌سان را رضا وطن‌خواه که در آن دوره نزدیک‌ترین همراه و دستیارش بود تا شاگردانش. در روزنامه‌ها و نشریات سال‌های مختلف هم زیاد درباره آن مقطع زندگی آقای دهداری و خود ایشان نوشته‌اند و من همه‌شان را خواندم. سعی کردم مدام اطلاعات کسب کنم. البته تحقیق این فیلم فقط اینها نبود. درباره کاراکترهای دیگر فیلم، شرایط اجتماعی، شرایط سیاسی و چیزهای مختلف تحقیق کردم. در تحقیقاتم پرسش‌هایی دارم که در این قصه به چه چیزهایی نیاز داریم و رفته دنبال پاسخ‌هایشان. مدام پاسخ‌هایی به‌دست می‌آمد و یادداشت برمی‌داشتم. خیلی سخت بود و البته بعضی چیزها به فراخور درام تغییر کرد.

باز گروه بازیکنان مستغفی هم حرف زدید؟
بله، تمام‌دفاعیاتی را که گفتند، در فیلم هست، ولی سعی کردم اسم هیچ کدام‌شان را نیاورم. شخصیت خودم هم این شخصیت‌رامی‌شناختم، این پیشنهاد را به‌قول معروف بغل کردم.دغدغه ساخت فیلم فوتبالی سال‌ها هم‌راهم بود که بالاخره ممکن شد.

داشته، ولی چون دراماتیک نبوده و جذابیت نداشته، انداخته‌ام کنار. همه بازیکنان را که نمی‌توانستیم بولد کنیم، فیلم ما ۲ساعت است. در ۲ساعت که نمی‌توانستیم به همه بازیکنانی که دهداری انتخاب می‌کند نزدیک شوم، چند نفرشان را جدا کردم که داستان‌های جذاب‌تری داشتند.

فیلم ششما هم فوتبالی است و هم به‌نوعی تاریخی. درام‌های ورزشی و تاریخی هم چالش‌های تولیدی خاص خودشان را دارند. کمی از این چالش‌ها بگویید.

ما خیلی تلاش کردیم همه چیز واقعی باشد و من خیلی تلاش کردم فیلمی بسازم که شبیه فیلم‌های دیگر نباشد. فیلم ما بسیار فیلم سختی بود. ما در این فیلم وارد فضایی شدیم که واقعاً ناشناخته و تجربه‌نشده است در بخش‌هایی از سینمای ایران. ما یک بازی فوتبال را تقریباً در این فیلم بازسازی می‌کنیم و نزدیک به بیش از ۲۰دقیقه فیلم در استادیوم فوتبال است و دوربین وسط زمین. اینها به زبان آسان است، ولی کار دشواری است. خود بازی فوتبال را دکوپاژ کردن خیلی سخت است. حالا ششما فکر کنید ما قرار است یک بازی را در سال ۱۳۶۵ در کشور قطر بازسازی کنیم. باسختی‌ها و چالش‌های زیادی رویه‌رو بودیم و پر از سؤال‌های بی‌جواب در همه بخش‌ها، مثلاً در بخش ویزوال، در بخش صحنه، در بخش لباس. خوشبختانه منبع همه گروه‌ها شد فیلم واقعی بازی ایران و کویت. این فیلم را در اختیار گروه‌های مختلف فیلم قرار دادیم و همه سعی می‌کردند از روی آن الگوبرداری کنند که نعل‌به‌نعل همان اتفاق بیفتد، ولی خیلی مسیر سختی داشتیم. بچه‌ها برای از سر راه برداشتن موانع واقعی‌مانت جنگیدند.

چطور از پس این موانع بر آمدید؟

باید از عواملم تشکر کنم که کم‌نیاور دند و همه عاشقانه جنگیدیم که به نتیجه برسیم. نشد در ذهن‌شان انگور، اگر نشد در ذهن‌شان بوه، خیلی چیزها به نشد می‌رسید. مثلاً در بخش ویزوال واقعاً معماری لاینحل داشتیم. من پلان‌هایی در زمین بازی طراحی می‌کردم که فیلم‌بردارم نه می‌توانست ریل بیاورد، نه تجهیزات حرکتی. بعد می‌نشتیم با خاص را نشانه‌نروم. کاراکتر منفی فیلم ما نه اسمش و نه شخصیتش شبیه هیچ‌یک از بازیکنان مستغفی نیست.

پس بعضی جاهای فیلم کاملاً ما بازی بیرونی دارد و بعضی جاها تغییر داده شدد. این طوری با لانس فیلم از نظر تطابق با واقعیت به هم نخورده؟

چاره‌ای نداشتیم. فقط اسم مستغفی‌ها عوض نشده؛ کاراکترهای دیگری هم هستند که اسم‌شان عوض شده، ولی مبنای واقعی دارند. این کار دلایل مختلفی هم دارد. اشکالی هم ندارد، چون داری نسبت‌منفی به کسی در فیلم می‌دهی، ممکن است مدیونش شوی چون درام می‌طلبی کار کنی که خودت هم می‌دانی واقعیت نداشته. فیلم ما بر مبنای واقعیت است، ولی بسیاری از چیزهایی که در فیلم می‌بینید خود اتفاق واقعی است. من فقط به نفع درام چیزهایی را عوض کرده‌ام. این طوری بگویم چیزهایی را که دراماتیک بود وارد قصه کردم، چیزهایی بوده که واقعیت

بازیگر خوبی بود، عوضش می‌کردیم. **مربی فوتبال هم در گروه داشتید پس، بله، این بچه‌ها یک‌ماه تمرین فوتبال کردند. من در آن یک‌ماه می‌رفتم و دکوپاژ می‌کردم. تمام صحنه‌های فوتبالی را با هندی کم یک‌بار گرفتم، ولی باز هم با بحران‌های جدی سر فیلمبرداری مواجه می‌شدم.**

بخشی از کار فیلمسازی حل همین بحران‌هایی است که خیلی هم ربطی به اندازه نما و زوایه دوربین و انتخاب‌های زیبایی‌شناختی ندارد.
اینها اجرای ایده است. ایده‌ای باید طراحی شود که بشود اجرا کرد. ما چیزهایی داشتیم که قبلاً تجربه نشده بود و نمی‌توانستیم به تجربیات پیشین اتکا کنیم.

اجرای صحنه‌های فوتبالی هم معمولاً در فیلم‌های ایرانی خیلی بد است.
چون کار خیلی سختی است. حتی در نمونه‌های خارجی هم فیلم‌ها خیلی وارد زمین بازی نمی‌شوند. همین سریال «تد لاسو» را ببینید که خیلی وارد زمین بازی نمی‌شود. فکر می‌کنید دلش نمی‌خواهد؟ حتماً می‌خواهد. اما این کار حتی برای آن‌وری‌ها هم خیلی مشکل است. امیدوارم مخاطبانی که فیلم را می‌بینند، این سختی‌ها به چشم‌شان بیاید. چون گاهی ممکن است فراموش شود.

روند و پروسه تولید هر قدر هم سخت باشد، نتیجه نهایی استست که به چشم می‌آید و تماشاگر حق دارد که فیلم را با نتیجه نهایی قضاوت کند.
حالا اگر نتیجه نهایی خوب باشد، شاید به این هم فکر کند که چقدر سختی کشیده شده برای گرفتن یک نما.

اگر همه فکر کنند این کارها سخت است و به قول شما فقط نتیجه مهم است و فرقی ندارد چه در آپارتمان فیلم بسازی و چه در زمین فوتبال، همه می‌روند همان آپارتمان را انتخاب می‌کنند. بالاخره باید فضاهای تازه‌ای در سینمای ایران تجربه شود.

در سینمایی که باید سرما په‌گذار را خود فیلمنامه‌نویس و کارگردان بیاورد، همین اتفاق هم می‌افتد یا باید مثل فیلم شما سازمان و نهادی حاضر به سرما په‌گذاری شود.
من واقعاً باید از مسئولان سازمان اوج تشکر کنم از اعتمادی کردند و همینطور تهیه‌کننده فیلم.

سعید پورصمیمی را چطور برای نقش دهداری انتخاب کردید؟
من خیلی روی این فیلمنامه وقت گذاشته بودم و مهم‌ترین بخش دهداری این بود که کسی بتواند این شخصیت را بازی کند که بازیگر خوبی باشد و بتواند این شخصیت را پیچیده خلق کند. کاراکتری که من نوشته بودم و با آن مواجه شده بودم،

چندوجهی بود و دراماتیک. برای همین مهم بود بازیگر خوبی این نقش را بازی کند. کسی که خیلی شبیه آقای دهداری باشد، اصلاً در میان بازیگران خوب سینمای ایران نداشتیم. این شد که رفتم سراغ کیفیت بازی و رسیدیم به آقای پورصمیمی که خیلی هم بی‌شباهت نیست به مرحوم دهداری و خیلی خوشحالم که ایشان این نقش را بازی کردند.

خود آقای پورصمیمی فوتبالی هست و شناختی از دهداری داشت؟

نه، ولی در روند پیش تولید کلی درباره این کاراکتر حرف زدیم با هم. آقای پورصمیمی دو سه روز بعد از خواندن فیلمنامه گفتند من می‌آیم و در آن دو سه روز تا به ما جواب دهند، رفته بودند و تحقیق کرده بودند که دهداری کیست، وقتی که وارد پروژه شدند، واقعاً وقت و انرژی زیادی گذاشتند. کلی جلسات روحوانی و تمرین در پلاتو داشتیم که لطف می‌کردند و همه را تشریف می‌آوردند. خیلی انرژی و انگیزه به بقیه گروه و بازیگران جوان می‌دادند. سر تمرین تیم‌های فوتبالی می‌رفتند تا شکل مربیگری شساگردان آقای دهداری را در کنار زمین ببینند. در تولید هم همیشه خیلی آماده سر صحنه بودند. دیالوگ‌هایشان را کامل حفظ بودند و من خیلی از ایشان یاد گرفتم و همکاری با ایشان افتخاری برای من بود.



روزنامه چهل و دومین

جشنواره بین‌المللی فیلم فجر

42nd
FAJR INTERNATIONAL
FILM FESTIVAL

شنبه ۲۱ بهمن ۱۴۰۴ - شماره ۱۵